

بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید جواد عمادی^۱، دکتری اقتصاد مالی دانشگاه مفید قم، مدرس موسسه آموزش عالی راهبرد شمال
زینب خمیس آبادی، دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی راهبرد شمال

چکیده

هدف: در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به این که سود به‌عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان یک عامل برجسته و مهم در بررسی‌ها و قضاوت‌های مالی مدنظر قرار می‌گیرد. لذا پیامدهای اقتصادی گزارشگری سودآوری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر کمک به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری مناسب می‌باشد.

روش‌شناسی: در پژوهش حاضر از مدل همبستگی و رگرسیون خطی چند متغیره برای بررسی بین متغیرها استفاده شده است. دوره برآورد مدل از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد و جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که با اعمال برخی محدودیت‌ها تعداد ۵۲ شرکت باقی مانده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

نتایج: نتایج حاصل از پژوهش با استفاده از مدل همبستگی و رگرسیون خطی چند متغیره نشان می‌دهد که طی دوره مطالعه متغیرهای اندازه شرکت و نرخ رشد دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارند و متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت و ریسک تاثیر معناداری بر هموارسازی سود ندارد.

کلید واژه: هموارسازی سود، عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت

۱- مقدمه

پدیده هموارسازی سود طی نیم قرن اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران حسابداری بوده است. این پدیده به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌گردد که به منظور کاهش نوسانات دوره‌ای سود انجام می‌شود. پژوهشگران عموماً بر این باورند که مدیران به منظور نشان دادن تصویری با ثبات از روند سودآوری در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری به هموارسازی سود دست می‌زنند. برخی شواهد نشان می‌دهد که بیشتر سرمایه‌گذاران تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی دارند که مدیریت آنها قادر است تصویر هموارتری از سودآوری را منعکس نماید. چنین رفتارهایی می‌تواند ناشی از انگیزه‌هایی نظیر افزایش رفاه مدیریت، افزایش رفاه سهامداران و تسهیل قابلیت پیش‌بینی سود باشد. فرضیه نقیض ادعا با افزایش رفاه مدیریت، افزایش رفاه سهامداران و تسهیل قابلیت پیش‌بینی سود باشد. فرضیه نقیض ادعا با بهره‌گیری از پیامدهای فرضیه بازار کالای سرمایه مدعی است که تغییرات در سود حسابداری تا آنجایی که ناشی از اعمال روش‌های مختلف حسابداری باشد بر قیمت بازار سهام تأثیر ندارد. در طرف مقابل فرضیه ادعا قائل به تأثیر هر نوع تغییر در سود حسابداری بر قیمت سهام است. حتی اگر این تغییر تأثیری بر جریان‌های نقدی نداشته باشد. علیرغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در رابطه با آزمون فرضیه‌های رقیب انجام گرفته هنوز ارتباط ارقام حسابداری و قیمت بازار سهام با ابهاماتی مواجه است و شاید به همین دلیل امکان ارائه یک چارچوب نظری برای هموارسازی سود میسر نشده و پژوهش‌های هموارسازی بیشتر در ابعاد تجربی گسترش یافته است (یزدانی، ۱۳۸۳). این پژوهش‌ها دارای چند محور است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اهداف و انگیزه‌های هموارسازی، موضوع هموارسازی، ابزار هموارسازی و عوامل مرتبط با هموارسازی. سود گزارش شده از جمله اطلاعات مالی مهم است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. تحلیل‌گران مالی عموماً سود گزارش شده را به‌عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. و یکی از مباحث مهم در مدیریت سود هموارسازی آن می‌باشد. مدیران می‌توانند از دانش خود در باره فعالیت‌های تجاری برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی به‌عنوان ابزاری جهت انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان بالقوه استفاده نمایند. چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت‌های مالی از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه‌های گزینش‌های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه‌هایی داشته باشند، احتمال می‌رود مدیریت سود رخ دهد. یکی از رویکردهای مدیریت سود، هموارسازی سود است. تحقیقات پیشین، هموارسازی سود را تلاش‌های مدیریت برای تعدیل نوسانات سود گزارش شده واحد تجاری می‌دانند که هدف اصلی آن ایجاد جریان با ثباتی از سود است (بیدلمن، ۱۹۷۳).

پدیده هموارسازی سود می‌تواند بر رفتار استفاده کنندگان صورت‌های مالی مؤثر واقع گردد. اغلب سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که از یک روند ثابت سودآوری برخوردار است، زیرا شرکت‌هایی که سودهای پرنوسان گزارش می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که سود هموار بودند، از ریسک بالاتری برخوردار می‌باشند (تاگر و زاروین، ۲۰۰۶).

طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها معمولاً در سال اولیه تأسیس به دلیل وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآوری ترجیح می‌دهند سود کمتری بین سهامدارانشان توزیع کنند (دی آنجیلو، ۲۰۰۶).

بر مبنای تعریف میلر و همکاران (۲۰۰۲) هموارسازی سود اقدام آگاهانه است که مدیران برای کاهش نوسان

دوره‌ای سود در چارچوب اصل و روش‌های متداول حسابداری به آن دست می‌زنند.

۲- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از:

بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران.

اهداف فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. بررسی رابطه بین هموارسازی سود و اندازه شرکت^۱.
۲. بررسی رابطه بین هموارسازی سود و عدم تقارن اطلاعاتی^۲.
۳. بررسی رابطه بین هموارسازی سود و ساختار مالکیت^۳.
۴. بررسی رابطه بین هموارسازی سود و ریسک شرکت^۴.
۵. بررسی رابطه بین هموارسازی سود و پتانسیل رشد شرکت^۵.

۳- پرسش‌های پژوهش

۱. آیا اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؟
۲. آیا عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؟
۳. آیا ساختار مالکیت تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؟
۴. آیا ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؟
۵. آیا پتانسیل رشد مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؟

۴- فرضیه‌ها

۱. اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
۲. عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
۳. ساختار مالکیت تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
۴. ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
۵. پتانسیل رشد مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.

-
1. Size
 2. Information Asymmetry
 3. Ownership Structure
 4. Risk
 5. Growth

۵- پیشینه پژوهش

بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۶)، تاثیر عدم تقارن اطلاعات، مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار، اهرم مالی، سن شرکت بر هموارسازی سود سهام را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که عدم تقارن اطلاعات، مالکیت بزرگ‌ترین سهام دار، سن شرکت، اهرم مالی بر هموارسازی سود سهام تاثیر ندارند.

بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۶)، تاثیر ریسک، کساد مالی، رشد، اندازه شرکت بر هموارسازی سود سهام را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که ریسک، رشد، کساد مالی بر هموارسازی سود سهام تاثیر ندارند، همچنین اندازه شرکت بر هموارسازی سود سهام تاثیر منفی و معناداری دارد.

خداشناس (۱۳۹۶)، تاثیر هموارسازی سود بر نرخ بازده سهام و تعداد مبادلات هر سهم شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که هموارسازی سود بر متغیر بازده سهام در سطح ۹۰٪ و بر متغیر تعداد مبادلات سهام در سطح ۹۵٪ تاثیر معناداری دارد. همچنین شرکتهای هموارساز سود با پایین نشان دادن ریسک سرمایه‌گذاری در سهام شرکتشان موجب می‌شوند که استقبال بیشتری از سهام‌شان بوجود آید.

سوری (۱۳۹۶)، تاثیر هموارسازی سود بر نرخ بازده سهام و تعداد مبادلات هر سهم شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که مالکیت خانوادگی بر کیوتوبین شرکت تاثیر دارد به طوری که وجود مالکیت خانوادگی باعث کاهش آن می‌شود بنابراین به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که در صورتی که ارزش شرکت (کیوتوبین) مد نظرها آنها است سرمایه‌گذاری در شرکتهای که درصدی از سهام آنها متعلق به سهامداران خانوادگی است ممکن است باعث سرخوردگی آنها بشود بنابراین توصیه می‌شود که در این گونه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری نکنند.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۶)، تاثیر ریسک، کساد مالی، رشد، اندازه شرکت بر هموارسازی سود سهام را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که نتایج برآورد مدل با تکنیک دهه‌های تابلویی نامتوازن برای ۱۲۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، وجود رابطه معناداری بین کیفیت سود (نوسان پذیری سود و هموارسازی سود) و سودآوری شرکتهای پذیرفته شده وجود ندارد و فرضیه‌های پژوهش تایید نشده است.

اصلی و همکاران (۱۳۹۶)، تاثیر ارتباط اجزای هموارسازی سود با میزان تعهدی سود و فرصت رشد در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد آزمون قرار دادند. با توجه به نتایج پژوهش تغییرات در حساب‌های پرداختی با هموارسازی سود و فرصت‌های رشد رابطه مثبت و معناداری دارد. تغییرات در حساب‌های دریافتی با هموارسازی سود هیچ رابطه‌ای نداشته ولی با فرصت‌های رشد رابطه منفی دارد. تغییرات در موجودی کالا با هموارسازی سود و همچنین فرصت‌های رشد رابطه مثبت و معناداری دارد.

پترسون و همکاران^۱ (۲۰۱۸) تاثیر هموار سازی درآمد در میان بانک‌های سیستماتیک و غیر سیستمیک اروپایی را مورد آزمون قرار دادند.

تحقیقات ناقص در مورد رفتار گزارشگری مالی بانک جهانی مهم سیستماتیک (G-SIBs) و بانکهای مهم

غیر سیستم جهانی (G-SIBs) وجود دارد. ما ارتباط بین گزارشگری مالی و ثبات سیستم مالی را با توجه به این که سازگاری درآمد یک مکانیسم پایداری برای بانک‌ها است، بررسی می‌کنیم. ما تجربی بررسی می‌کنیم که آیا G-SIBها از مقادیر خسارات از دست دادن (LLP) استفاده می‌کنند تا درآمد صاف را در مقایسه با غیر G-SIBها متفاوت کنند و انگیزه‌ای برای این کار انجام دهند. ما ۲۳۱ بانک اروپایی را بررسی می‌کنیم و می‌بینیم که هموار سازی درآمد در میان G-SIBها در دوره پس از بحران بیان شده است و در میان دوره‌های قبل از بحران در غیر G-SIBها بیان شده است. همچنین، G-SIBها هموار سازی بیشتر درآمد را نشان می‌دهند (i): وام‌های غیرقابل اجرایی قابل توجهی دارند؛ (ii) سودآورتر هستند و نسبت به حداقل مقادیر سرفق‌لی قانونی / بیش از حد (iii) دوره‌های رکود اقتصادی نتیجه گیری یافته‌های ما این است که تنظیم سرما و نوسانات غیر طبیعی اقتصادی، انگیزه‌هایی برای بانک‌های سیستماتیک برای استفاده از اعداد حسابداری (مقررات از دست دادن وام) برای ایجاد درآمد صلح ایجاد می‌کند که همچنین با هدف پایداری سیستم مالی تنظیم کننده‌های بانکی هماهنگ است. یافته‌های ما برای حساب‌رسان استاندارد در ارزیابی نقش حساب‌های گزارش شده برای ثبات مالی سیستم، با توجه به محیط نظارتی فعلی در اروپا که بر بانک‌های سیستمیک تمرکز دارد، مفید است.

لیم و همکاران (۲۰۱۷) تاثیر فشار تنظیم شده و هموار سازی درآمد توسط بانک‌ها در واکنش به تغییرات پیش‌بینی شده در توافقنامه بازل II را مورد آزمون قرار دادند.

ما اثرات قوانین تجدید نظر شده بازل II را بر رفتار اختیاری مدیران بانک، به ویژه صاف کردن درآمد و ایجاد ضمانت از دست دادن، بررسی می‌کنیم. همانطور که قوانین تجدید نظر فشار بیشتری بر شرکت‌های بزرگ نسبت به بانکداری خرده فروشی اعمال می‌کنند، ما پیش‌بینی می‌کنیم که مدیران شرکت‌های بزرگ برای کاهش فعالیت‌های ریسک پذیری و یا افزایش صاف کردن درآمد افزایش یابند. تجزیه و تحلیل گزارش‌های segmental نشان می‌دهد (ضعیف) هموار درآمد در بخش‌های بانکی شرکت‌های بزرگ سرمایه (بانک‌های با سرعتی) در طول دوره بازل II، با مدیران خود را به رسمیت شناختن شرایط از دست دادن وام در زمان کمتر است. ما چنین اثراتی را برای بانکداری خرده فروشی پیدا نمی‌کنیم. اگر چه ما ابتدا واکنش بازار منفی را به اطلاعیه‌های نظارتی می‌رسانیم، این واکنش در طول زمان ضعیف می‌شود. به طور کلی، این مطالعه، پیامدهای ناخواسته تغییرات قانون بانکی را برجسته می‌کند.

لی و همکاران^۲ (۲۰۱۶) تاثیر هموار سازی درآمد و هزینه بدهی را مورد آزمون قرار دادند. ادبیات مربوط به هموارسازی درآمد، بر تاثیر صاف کردن درآمد در بازار سهام تأکید می‌شود. این مقاله به بررسی تاثیر سودآوری درآمد در بازار بدهی می‌پردازد. با استفاده از آمار Tucker-Zarowin (TZ) از هموار سازی درآمد، می‌بینیم که شرکت‌هایی با رتبه‌بندی هماهنگ درآمد بالاتر، هزینه‌های پایین‌تر بدهی را نشان می‌دهند، و این نشان می‌دهد که اثر سیگنال درآمد اطلاعات هموار سازی درآمد، اثر منحرف را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین ما دریافتیم که اثر سودآوری بر کاهش هزینه‌های بدهی در شرکت‌هایی که اطلاعات مبهم و خطر بیشتری دارند، قوی‌تر است.

1. Lim et al
2. Li

۶- روش پژوهش

در روش مورد نظر ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش را آزمودیم و در صورت عدم وجود همبستگی بین متغیرهای مورد نظر اقدام به برآورد مدل‌های رگرسیون چندگانه پرداخته شده است. به منظور بررسی آزمون فرضیه‌ها از داده‌ها در دو سطح ترکیبی در قالب رگرسیون به روش پنل دیتا استفاده شده است. جهت انتخاب نوع داده‌ها ترکیبی از آزمون چا^۱ و آزمون هاسمن^۲ استفاده شده است. و جهت بررسی معناداری تأثیر رگرسیون از آزمون F (فیشر^۳) استفاده شده است.

۶-۱- جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. انتخاب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به دو علت می‌باشد: اول این که اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی حسابرسی می‌شوند. لذا نسبت اطلاعات سایر شرکت، از قابلیت اتکای بالاتری برخوردارند. دوم این که اطلاعات این شرکت‌ها قابل دسترسی هستند.

نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۱۸ شرکت است که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران فعالیت داشته و واجد شرایط زیر باشند.

۱. تاریخ اولین معامله آن‌ها در بورس ابتدای سال ۱۳۹۰ باشد.

۲. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۳. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

۴. وقفه‌های طولانی (بیشتر از ۶ ماه) در معاملات آن‌ها به وجود نیامده باشد.

۵. طی دوره زمانی پژوهش از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس حذف نشده باشند.

بدین ترتیب و با اعمال معیارهای فوق ۱۱۸ شرکت باقی مانده و به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

۷- روش آماری مورد استفاده در پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش مطالعه میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و برآورد ضریب متغیرهای مورد بررسی و در نهایت ارائه مدل به منظور پیش‌بینی می‌باشد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چند متغیره با به کارگیری داده‌های ترکیبی استفاده گردیده است. چنانچه هدف پژوهش فقط بررسی رابطه متغیر وابسته با متغیر (متغیرهای) مستقل می‌باشد، می‌توان با محاسبه ضریب همبستگی، درجه‌ای را که یک متغیر به متغیر دیگر، از نظر خطی مرتبط است اندازه‌گیری نمود. در این تجزیه و تحلیل نمی‌توان رابطه علت و معلولی در مورد متغیرها استنتاج نمود. ضریب همبستگی فقط میزان ارتباط بین دو متغیر وابسته و مستقل و بالعکس آن را مشخص می‌کند. در صورتی که علاوه بر تعیین رابطه همبستگی، اندازه‌گیری و بررسی میزان تغییر

1. Chow Test
2. Hausman Test
3. Fishers Test

یک متغیر که قابل استناد به متغیر(متغیرهای) دیگر است مدنظر باشد، از تجزیه و تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. در این تجزیه و تحلیل ضمن تعیین رابطه همبستگی می‌توان ضرایب متغیرهای مستقل را برآورد نمود و مشخص کرد که تغییر در یک واحد در هر یک از متغیرهای مستقل چه میزان بر متغیر وابسته تاثیر می‌گذارد (آذر و مومنی، ۱۳۷۸). روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش رگرسیون داده‌های پانلی است که قبل از انجام آزمون اصلی یک سری پیش آزمون صورت گرفته است، پیش آزمون‌هایی از قبیل نرمالیتی، آزمون عدم وجود هم خطی، دوربین - واتسون، F لیمر، آزمون هاسمن، آزمون ناهمسانی واریانس صورت می‌گیرد و سپس آزمون اصلی پژوهش از طریق رگرسیون داده‌های پانلی صورت خواهد گرفت.

۷-۱- آزمون اصلی پژوهش

آزمون اصلی این پژوهش شامل آزمون رگرسیون چند متغیره زیر می‌باشد که از طریق رگرسیون داده‌های پانلی صورت می‌گیرد.

$$DDS_{i,t} = \beta_{0i,t} + \beta_{1i,t}Size + \beta_{2i,t}I.ASY + \beta_{3i,t}O.S + \beta_{4i,t}EV + \beta_{5i,t}Growth + e$$

که در مدل فوق:

$DDS_{i,t}$: هموارسازی سود

$Size$: اندازه شرکت

$I.ASY$: عدم تقارن اطلاعاتی

$O.S$: ساختار مالکیت

EV : انحراف معیار سود هر سهم

$Growth$: نرخ رشد دارایی‌ها

e : جزء خطا

۷-۲- نحوه محاسبه و استخراج اطلاعات متغیرهای پژوهش

متغیر به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توان آنها را مشاهده یا اندازه گیری و دو یا چند ارزش یا عدد را جای‌گزین آن‌ها قرار داد. عدد یا ارزش نسبت داده شده به متغیر، نشان‌دهنده تغییر از یک فرد به فرد دیگر یا از حالت به حالت دیگر(خاکی، ۱۳۷۸).

متغیرهای این پژوهش شامل هموارسازی سود به‌عنوان متغیر وابسته، اندازه شرکت عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت، ریسک و نرخ رشد دارایی‌ها به‌عنوان متغیرهای مستقل می‌باشند.

۷-۲-۱ متغیر وابسته

متغیر وابسته، متغیر اصلی مورد توجه پژوهشگر است. به عبارت دیگر یک متغیر اصلی است که به‌صورت یک مساله حیاتی برای پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. با تجزیه و تحلیل متغیر وابسته و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌توان پاسخ‌ها یا راه‌حلی‌هایی را برای مساله شناخت. تغییرات متغیر وابسته تحت‌تأثیر متغیر مستقل قرار

می‌گیرد (خاکی، ۱۳۷۸، دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۹).

در این پژوهش هموارسازی سود به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. محاسبه هموارسازی سود مستلزم تخمین سود تقسیمی و سود هر سهم می‌باشد که با توجه به معادله رگرسیون زیر محاسبه می‌شود (جونگ، ۲۰۱۳).

$$AD = \alpha + \beta_1 EPS + \beta_2 D_{IT-1}$$

در معادله فوق

AD: نشان‌دهنده سود تقسیمی که از اختلاف سود تقسیمی سال جاری و سود تقسیمی سال گذشته حاصل می‌گردد.

EPS: نشان دهنده سود هر سهم می‌باشد.

D_{IT-1} : سود تقسیمی سال گذشته

α : عرض از مبدا

β : ضرایب

۷-۲-۲ متغیرهای مستقل

یک متغیر مستقل متغیری است که متغیر وابسته را به صورت مثبت و منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی وقتی متغیر وابسته وجود داشته باشد، متغیر مستقل نیز وجود دارد، و افزایش در متغیر مستقل، متغیر وابسته را نیز به همان مقدار کاهش یا افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر تغییر پذیری در متغیر وابسته به حساب متغیر مستقل گذاشته می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

متغیرهای مستقل در این تحقیق شامل اندازه شرکت، عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت، ریسک (انحراف معیار و سود هر سهم) و نرخ رشد دارایی‌ها می‌باشند.

- اندازه شرکت:

معیاری است که برای بزرگ یا کوچک بودن شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای محاسبه این متغی از معیارهای مختلفی مانند لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، لگاریتم طبیعی فروش، لگاریتم طبیعی از کل دارایی در پایان سال مالی و ارزش دفتر دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه اندازه، از لگاریتم طبیعی دارایی‌ها استفاده می‌گردد (جونگ، ۲۰۱۳).

- عدم تقارن اطلاعاتی: این متغیر از طریق شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش بدست می‌آید (ونکاتاش و چیانگ، ۱۹۸۶). منظور از قیمت پیشنهادی خرید سهام، قیمتی است که توسط سرمایه‌گذار برای خرید سهامی خاص پیشنهاد می‌شود. قیمت پیشنهادی فروش سهام نیز قیمتی است که فروشنده سهام برای فروش سهام پیشنهاد می‌کند. متغیر مذکور طبق مدل (۱) اندازه‌گیری می‌شود:

$$SPREAD_{i,t} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum_1^{D_{i,t}} \frac{(ASK_i - BID_i)}{(ASK_i + BID_i) / 2}$$

- $SPREAD_{i,t}$: دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در دوره t
- ASK_i : بهترین (کمترین) قیمت پیشنهادی فروش روزانه سهام شرکت
- BID_i : بهترین (بیشترین) قیمت پیشنهادی خرید روزانه سهام شرکت i
- $D_{i,t}$: تعداد روزهایی از سال t که در آن بهترین قیمت پیشنهادی فروش و بهترین قیمت پیشنهادی خرید برای سهام شرکت i در دسترس است.
- ساختار مالکیت: سهام‌داران کنترل چند درصد از کل سهام را در اختیار دارند (مالکیت بیش از ۵٪ سهام). این متغیر نیز به عنوان متغیر مستقل استفاده می‌گردد. برای محاسبه این متغیر مجموع سهام سهامدارانی که مالکیت آن‌ها بیش از ۵ درصد است را محاسبه می‌کنیم (جونگ، ۲۰۱۳).
 - ریسک (انحراف معیار سود هر سهم در یک دوره): برای محاسبه این متغیر سود هر سهم را از صورت سود و زیان به دست آورده و از آن انحراف معیار می‌گیریم (جونگ، ۲۰۱۳).
 - پتانسیل رشد دارایی‌ها: برای محاسبه نرخ رشد دارایی‌ها می‌توان از فرمول‌ها مختلفی استفاده کرد. در این پژوهش از نرخ رشد دارایی‌ها استفاده می‌کنیم. به این صورت که دارایی سال جاری را منهای دارایی سال گذشته تقسیم بر سال گذشته می‌کنیم. برای نمونه، میانگین برای متغیر انحراف معیار سود هر سهم ۵۵۳/۴۲۰۰ می‌باشد. که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. طبق جدول (۱) مقدار میانه انحراف معیار سود هر سهم ۳۶۰/۱۵۰۰ می‌باشد.
 - در بین متغیرهای پژوهش متغیر انحراف معیار سود هر سهم دارای بیشترین و متغیر نرخ رشد کل دارایی‌ها دارای کمترین میزان پراکندگی می‌باشد.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی

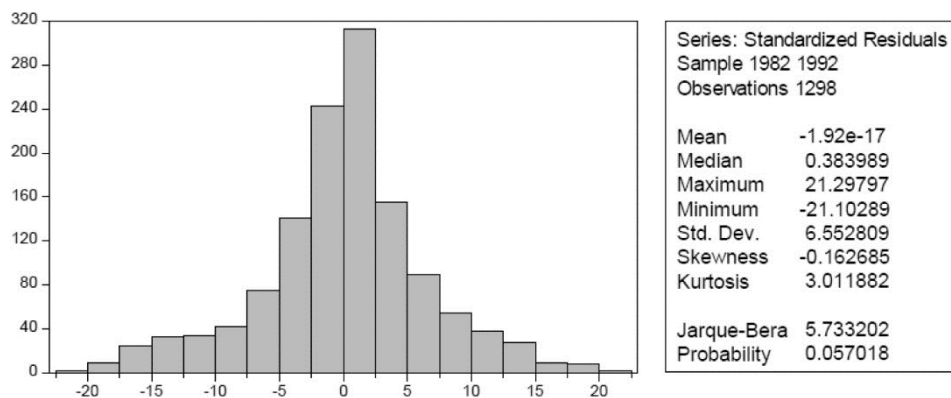
این نوع آمار صرفاً به توصیف نمونه مورد بررسی می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه است. با استفاده از این آمار می‌توان به توصیف داده‌ها و اطلاعات پژوهش پرداخت و به یک الگوی کلی به منظور استفاده سریع از داده‌ها دست یافت. در این پژوهش از میانگین، میانه، انحراف معیار، حداکثر و حداقل مقادیر متغیرها به منظور توصیف داده‌ها استفاده شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع داده‌ها است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش						
	هموارسازی سود (DDS)	اندازه شرکت (SIZE)	عدم تقارن اطلاعاتی (IASY)	مالکیت سهامداران (O.S)	انحراف معیار سود هر سهم (EV)	نرخ رشد کل داراییها (GROWTH)
میانگین	۷۴/۹۱۳۳	۵/۸۰۳۰	-۰/۴۲۳۳	۵۰/۷۶۵۷۲	۵۵۳/۴۲۰۰	۰/۲۱۰۱
میانه	۸۷/۰۳۰۰	۵/۷۵۰۰	-۰/۸۵۰۰	۵۱/۱۸۵۰۰	۳۶۰/۱۵۰۰	۰/۱۵۰۰
بیشترین	۱۰۵۵۱/۸۸	۸/۰۱۰۰	۶/۸۹۰۰	۹۹/۲۰۰۰۰	۴۷۹۰/۱۲۰۰	۱۰/۴۲۰۰
کمترین	-۵۶۸۱/۴۷۰	۴/۲۵۰۰	-۵/۰۸۰۰	۰/۰۰۰۰	۸/۱۸۰۰	-۰/۸۵۰۰
انحراف معیار	۹۹۰/۵۵۸۴	۰/۶۰۰۵	۱/۶۵۹۵	۳۰/۲۴۸۱۲	۵۷۷/۳۵۲۲	۰/۳۹۸۳
ضریب چولگی	۳/۵۰۴۴	۰/۶۹۰۹	۰/۹۸۰۶	-۰/۰۶۵۸۸۳	۲/۵۲۴۶	۱۳/۷۳۶۶
ضریب کشیدگی	۴۱/۹۰۷۵	۳/۹۹۶۱	۳/۹۲۶۷	۱/۶۸۴۲۷۸	۱۱/۳۹۴۰	۳۳۶/۲۱۶۴
مشاهدات	۱۲۹۸	۱۲۹۸	۱۲۹۸	۱۲۹۸	۱۲۹۸	۱۲۹۸

۸-۲- آزمون نرمالیتی

این آزمون مستقل بودن خطاهای پسماند را نشان می‌دهد. در صورتی که آماره این آزمون در سطح خطای ۵ درصد معنادار باشد، اجزای خطا (باقیمانده) مدل از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. همان‌گونه که در جدول زیر ملاحظه می‌شود، مقدار این آماره گویای آن است که فرض نرمال بودن جزء خطا (باقیمانده) برقرار است.

جدول ۲: آزمون نرمالیت



۳-۸- تعیین عدم وجود چند هم خطی^۱:

هم خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن R^2 ، مدل از اعتبار بالایی برخوردار نباشد. با توجه به ستون آخر جدول شماره ۳ مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ ($VIF < 5$) می‌باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.

همچنین قبل از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

با توجه ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۵۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (هموارسازی سود)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

۴-۸- نتایج رگرسیون

جدول ۳: خلاصه نتایج آماری آزمون مدل پژوهش					
VIF	سطح معناداری (sig)	آماره t	انحراف معیار	ضرایب	متغیر
-----	۰/۰۰۰۴	-۳/۵۴۳۸	۵/۳۱۷۰	-۱۸/۸۴۲۵	عرض از مبدا (C)
۱/۰۲	۰/۰۰۰۲	۳/۷۵۶۲	۰/۸۷۹۴	۳/۳۰۳۲	اندازه شرکت (SIZE)
۱/۰۴	۰/۳۰۳۸	۱/۰۲۸۸	۰/۲۱۵۲	۰/۲۲۱۴	عدم تقارن اطلاعاتی (IASY)
۱/۰۳	۰/۵۶۳۲	۰/۵۷۸۲	۲/۵۱۹۲	۱/۴۵۶۷	مالکیت سهامداران (O.S)
۱/۰۳	۰/۰۵۹۲	-۱/۸۸۸۷	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۸	انحراف معیار سود هر سهم (EV)
۱/۰۲	۰/۰۳۷۴	۲/۰۸۳۸	۰/۵۱۰۹	۱/۰۶۴۶	نرخ رشد کل دارایی‌ها (GROWTH)
۲/۲۰۹۱	آماره دوربین-واتسون		۱۱/۷۵۹۳	آماره F فیشر (سطح معنی‌داری)	
			(۰/۰۰۰)		
۰/۵۰۳۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۴۹۷	ضریب تعیین	

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری آماره F کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۰/۰۵) بوده است، بنابراین کل مدل رگرسیونی معنادار می‌باشد. آماره دوربین واتسون (۲/۲۰۹۱) در فاصله‌ای بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار

دارد بنابراین می‌توان گفت بین خطاهای مدل همبستگی وجود ندارد. با توجه به اعداد به‌دست آمده VIF برای متغیرهای مستقل می‌توان گفت بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند حدود ۰/۵۵ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. خلاصه نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون فرضیات				
نتیجه	p-value	ضرایب	آماره t	فرضیات
قبول	۰/۰۰۰۲	۳/۳۰۳۲	۳/۷۵۶۲	اندازه شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
رد	۰/۳۰۳۸	۰/۲۲۱۴	۱/۰۲۸۸	عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد.
رد	۰/۵۶۳۲	۱/۴۵۶۷	۰/۵۷۸۲	ساختار مالکیت تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد
رد	۰/۰۵۹۲	-۰/۰۰۰۸	-۱/۸۸۸۷	ریسک تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد
قبول	۰/۰۳۷۴	۱/۰۶۴۴	۲/۰۸۳۸	پتانسیل رشد مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد

ضریب برآوردی متغیر مستقل اندازه شرکت در جدول بالا نشان دهنده تاثیر مثبت و معنادار اندازه شرکت بر هموارسازی سود در سطح خطای ۰/۰۵ است، زیرا مقدار p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ اندازه شرکت بر هموارسازی سود تاثیر مثبت و معناداری دارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل عدم تقارن اطلاعاتی در جدول بالا نشان دهنده عدم تاثیر معنادار تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود در سطح خطای ۰/۰۵ است، زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود تاثیر معناداری ندارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل ساختار مالکیت در جدول بالا نشان دهنده عدم تاثیر معنادار مالکیت سهامداران بر هموارسازی سود در سطح خطای ۰/۰۵ است، زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت سهامداران بر هموارسازی سود تاثیر معناداری ندارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل ریسک در جدول بالا نشان دهنده عدم تاثیر معنادار انحراف معیار ریسک سود هر سهم بر هموارسازی سود در سطح خطای ۰/۰۵ است، زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ انحراف

معیار سود هر سهم بر هموارسازی سود تاثیر معناداری ندارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل نرخ رشد شرکت در جدول بالا نشان دهنده تاثیر مثبت و معنادار نرخ رشد کل دارایی‌ها بر هموارسازی سود در سطح خطای ۰/۰۵ است، زیرا مقدار p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ نرخ رشد کل دارایی‌ها بر هموارسازی سود تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۹- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تأثیر عوامل اندازه، عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت، ریسک و پتانسیل رشد دارایی‌ها بر هموارسازی سود مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل در قالب ۵ فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. که در هر یک از این فرضیه‌ها تأثیر عوامل مختلف بر هموارسازی سود به صورت مجزا مورد آزمون قرار گرفت. در فرضیه اول پژوهش ادعا شده است که اندازه شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد، نتایج حاصل از پژوهش این فرضیه را تایید نمود. و فرضیه مورد نظر پذیرفته شد. بدین معنا که هر چه اندازه شرکت بزرگتر شود، هموارسازی سود نیز بیشتر صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد از آنجایی که اندازه شرکت می‌تواند نمایانگر مدیریت قوی و میزان ریسک کلی شرکت باشد و شرکت‌های بزرگتر در معرض ایمنی عمومی بیشتری هستند، لذا این شرکتها اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. این یافته با یافته‌های کارلسون و با تالا (۱۹۹۷)، قائمی (۱۳۸۱)، پورحیدری (۱۳۸۳)، کریمی زند و همکاران (۱۳۸۵) مطابقت داشته و با نتایج علامه حائری (۱۳۸۸)، آلبرچت و ریچاردسون (۱۹۹۰) و موسز (۱۹۸۷) در تضاد است.

با آزمون فرضیه دوم پژوهش مشخص گردید که عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود ندارد. به نظر می‌رسد دلیل آن باشد که بازار ایران از کارایی مناسبی برخوردار نیست و با ورود اطلاعات جدید واکنش چندانی نشان نمی‌دهد در نتیجه مدیران دلیلی برای هموار کردن سود نمی‌بینند. این یافته با نتایج پژوهش‌های نوروش و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت داشته و با نتایج پژوهش‌های بلوکی و پیکور (۱۹۸۴) در تضاد است.

با آزمون فرضیه سوم پژوهش مشخص گردید که ساختار مالکیت تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود ندارد. به نظر می‌رسد شرکت‌هایی که مالکیت نهادی در آنها زیاد است دلیلی برای هموارسازی سود نمی‌بینند، زیرا نیازی به راضی نگه داشتن سهام داران خود ندارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پورحیدری و همکاران (۱۳۸۳) مطابقت دارد.

با آزمون فرضیه چهارم پژوهش مشخص گردید که ریسک شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود ندارد. شرکت‌هایی که هموارسازی سود انجام نمی‌دهند بازده سهام آنها نوسان بیشتری دارد و این موضوع منجر به وجود رابطه منفی بین ریسک و هموارسازی سود می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های آشاری (۱۹۹۴) و کرشن هیتیر و ملوماد (۲۰۰۲) در تضاد است.

و در نهایت با آزمون فرضیه پنجم پژوهش مشخص گردید که نرخ رشد دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد. از آنجایی که نرخ رشد دارایی‌ها بر مولفه‌های سودآوری تاثیر مثبتی دارد و مولفه‌های

سودآوری هم بر میزان سود شرکت تاثیر دارد و یکی از عوامل تاثیر گذار بر هموارسازی همان سود شرکت است. نهایتاً می‌توان پی برد که نرخ رشد دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات هانت و همکاران (۲۰۰۰) و علامه حائری (۱۳۷۸) مطابقت داشته و با نتایج پژوهش‌های آشاری (۱۹۹۴)، آرچی بالد (۱۹۹۰)، وایت (۱۹۷۰) و بدری (۱۳۷۸) در تضاد است.

۱۰- پیشنهادها

- طبق نتایج حاصل از پژوهش انجام شده مدیران می‌توانند از هموارسازی سود به عنوان یک استراتژی موثر در پیش‌بینی‌های آتی استفاده کنند. در این بین با توجه به اینکه نتایج بعضی از مطالعات انجام شده نشان می‌دهد پایداری سود شرکت‌هایی که در گذشته بیشتر از هموارسازی سود استفاده کرده‌اند، کمتر است، به مدیران توصیه می‌شود در هموارسازی سود عوارض ناشی از آن را نیز در نظر داشته باشند تا در آینده سازمان تحت مدیریت آنها دچار مخاطرات حاصل از آن نشود. همچنین سرمایه‌گذاران باید توجه داشته باشند که به هنگام سرمایه‌گذاری، لزوماً سودهای هموار را به عنوان ریسک کمتر در نظر نگیرند.

- سهام داران در انتخاب سهام جهت خرید، فروش یا نگهداری سهام به سودهای پیش‌بینی شده توسط مدیریت اکتفا نکرده و در صورت ملاک قرار دادن آن جهت تصمیم‌گیری، این پیش‌بینی‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند.

- با توجه به تاثیر هموارسازی سود بر اشتباهات مدیریت در پیش‌بینی سود پیشنهاد می‌شود مسوولان سازمان بورس از مدیران شرکتها بخواهند تا سود را با دقت بیشتری پیش‌بینی کنند تا استفاده کنندگان از این اطلاعات بهره بیشتری ببرند. توصیه می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار به بررسی و پژوهش و مطالعه در خصوص معیارهای هموارسازی سود و چگونگی کشف آن و مطلع نمودن سهامداران شرکت‌ها جهت استفاده و هر گونه بهره برداری اقدام نمایند.

- نگرش موجود در جامعه نسبت به هموارسازی سود، نگرش دوگانه است. توصیه می‌شود همایش‌هایی برای توضیح و تفسیر جنبه‌های مختلف هموارسازی سود برگزار شود تا نگرش استفاده کنندگان از صورت‌های مالی مبسوط‌تر شده و دید صحیح‌تری در بین آنها نسبت به هموارسازی سود ایجاد شود.

- به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در تشخیص هموارسازی سود از مدل استفاده شده در این پژوهش استفاده کنند.

مراجع

۱. احمدپور، احمد و سیده هنگامه رضوی، ۱۳۹۶، بررسی رابطه بین سودآوری با نوسان پذیری سود و هموارسازی سود، اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم انسانی و بانکداری اسلامی، تهران، موسسه پیشاهنگان دانش.

۲. آذر، عادل؛ مومنی، منصور، ۱۳۷۸، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، چاپ سیزدهم، انتشارات

سمت.

۳. بادآورنهنندی، یونس و فریبا علی نژاد، ۱۳۹۶، بررسی تاثیر ریسک، کساد مالی، رشد، اندازه شرکت بر هموارسازی سود سهام، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان،
۴. بادآورنهنندی، یونس و فریبا علی نژاد، ۱۳۹۶، بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعات، مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار، اهرم مالی، سن شرکت بر هموارسازی سود سهام، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان،
۵. بدری، احمد، ۱۳۷۸، شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در جامعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه دکتری حسابداری، دانشگاه تهران.
۶. پورحیدری، امید، عباس (۱۳۸۵)، بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴۴، صص ۷۰-۵۵.
۷. خاکی، غلامرضا، ۱۳۷۸، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، تهران، نشر مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشارات درایت، چاپ اول.
۸. خداشناس، مهدی، ۱۳۹۶، بررسی تاثیر هموارسازی سود بر نرخ بازده سهام و تعداد مبادلات هر سهم شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان،
۹. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی و آذر، عادل، ۱۳۸۹. روش شناسی پژوهش‌های کمی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار، چاپ سوم.
۱۰. سوری، محمدرضا، ۱۳۹۶، بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی با هموارسازی سود، اولین همایش حسابداری، مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصادی ملی، ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
۱۱. علامه حائری، فرالدین، ۱۳۷۸، بررسی میزان ارتباط بین هموار سازی و ثروت سهامداران (ارزش سهام در بازار بورس). آینده پژوهی مدیریت، ۱۳، ۸۵-
۱۲. کریمی زند، ساناز، ۱۳۸۵، بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۱)، صص ۱۰۰-۸۳.
۱۳. نوروش، ایرج و سیدعلی حسینی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵.
۱۴. واصلی، سعید و میلاد عربی کاماسی، ۱۳۹۶، ارتباط اجزای هموارسازی سود با میزان تعهدی سود و فرصت رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر،
۱۵. یزدانی، محمود، ۱۳۸۳، بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت سود در شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری، صص ۵۹-۶۰.

16. Albrecht, W. D., & Richardson, F. M. (1990). Income smoothing by economy sector. *Journal of Business Finance & Accounting*, 17(5), 713-730.

17. Ashari, N., Koh, H. C., Tan, S. L., & Wong, W. H. (1994). Factors affecting

income smoothing among listed companies in Singapore. *Accounting and business research*, 24(96), 291-301.

18. Barnea, A., Ronen, J., & Sadan, S. (1976). Classificatory smoothing of income with extraordinary items. *The Accounting Review*, 51(1), 110-122.

19. Beidleman, C. R. (1973). Income smoothing: The role of management. *The Accounting Review*, 48(4), 653-667.

20. Belkaoui, A., & Picur, R. D. (1984). The smoothing of income numbers: Some empirical evidence on systematic differences between core and periphery industrial sectors. *Journal of Business Finance & Accounting*, 11(4), 527-545.

21. Bell, T. B., Landsman, W. R., Miller, B. L., & Yeh, S. (2002). The valuation implications of employee stock option accounting for profitable computer software firms. *The Accounting Review*, 77(4), 971-996.

22. DeAngelo, H., DeAngelo, L., & Stulz, R. M. (2006). Dividend policy and the earned/contributed capital mix: a test of the life-cycle theory. *Journal of Financial economics*, 81(2), 227-254.

23. Jeong, J. (2013). Determinants of dividend smoothing in emerging market: The case of Korea. *Emerging markets review*, 17, 76-88.

24. Kirschenheiter, M., & Melumad, N. D. (2002). Can "Big Bath" and Earnings Smoothing Co-exist as Equilibrium Financial Reporting Strategies?. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 761-796.

25. Li, S., & Richie, N. (2016). Income smoothing and the cost of debt. *China Journal of Accounting Research*. Pages 175-190.

26. Lim, C. Y., & Yong, K. O. (2017). Regulatory pressure and income smoothing by banks in response to anticipated changes to the Basel II Accord. *China Journal of Accounting Research*, 10(1), 9-32.

27. Moses, O. Douglas. "Income smoothing and incentives: Empirical tests using accounting changes." *Accounting Review* (1987): 358-377.

28. Peterson, O. K., & Arun, T. G. (2018). Income smoothing among European systemic and non-systemic banks. *The British Accounting Review*.

29. Tucker, J. W., & Zarowin, P. A. (2006). Does income smoothing improve earnings informativeness?. *The Accounting Review*, 81(1), 251-270.

30. Venkatesh, P. C., & Chiang, R. (1986). Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. *The Journal of Finance*, 41(5), 1089-1102.

31. White, G. E. (1970). Discretionary accounting decisions and income normalization. *Journal of Accounting Research*, 8(2), 260-273.